

تصهیهات قضائی

تاریخ ۱۴/۹/۴۱

کلاسه ۴۴۸۶/۱۳

مرجع رسیدگی شعبه ۱۱ دیوانعالی کشور

هیئت شعبه جناب آقای احمدی بختیاری رئیس آقای حسین بیدار مستشار آقای

رحمت الله مقدم مستشار

فرجامخواهان ۱ - سرتیپ بازنشسته آقای روح الله نویسی ۲ - آقای مهدی عظیمی

۳ - آقای حسام الدین نجم آبادی ۴ - بانو احسان نیکخواه معروف به دولو ۵ - آقای نصرت الله

منتصر ۶ - آقای جلال الدین جلالی .

فرجامخواندگان

۱ - دادستان دیوانکیفر و مدعی خصوصی (شرکت شیلات)

فرجامخواسته دادنامه ۲۱ - ۱۰ - ۴۰ شعبه ۴ دیوانکیفر.

هیئت شعبه در تاریخ فوق تشکیل پس از گزارش آقای حسین قریشی عضو ممیز و

ملاحظه اوراق پرونده و نظریه کتبی جناب آقای دکتر علی آبادی دادستان کل بشرح ذیل:

بر رأی دادگاه از لحاظ شرکت تجاری شناختن شرکت سهامی شیلات ایران ایرادی

وارد نیست زیرا اولاً با توجه باینکه شرکت شیلات ایران بصورت یک شرکت سهامی به

ثبت رسیده و اداره کنندگان آن بعنوان هیئت مدیره شرکت سهامی شیلات ایران انتخاب شده اند

و همچنین با توجه باینکه متصدیان مزبور با علم و اعتقاد باین حقیقت وظایف خود را در

اداره امور شرکت انجام میداده اند و بعلاوه در بودجه عمومی کشور برای سازمان مزبور رقم

خاصی بعنوان شرکت شیلات ایران منظور میگرددیده لذا ایرادات آقایان متهمین و وکلاء

مدافع آنان در این قسمت وارد نمیشد و نسبت به مسئولیت مدیران شرکت چون طبق ماده

(۲۱) قانون تجارت مدیران شرکت در مورد تخلف از قانون و تقصیراتی که مرتکب میشوند

مسئول میباشند لذا مدافعات و اعتراضات آقایان و وکلاء مدافع و متهمین در این خصوص نیز

موجه نمیشد. ولی بر رأی دادگاه ایرادات زیر وارد میباشند:

۱ - راجع باتهام تصرف غیرقانونی به مبلغ ۵۷۷۳۵ ریال دادگاه این مبلغ را از

مجموع مبلغ ۱۴۸۵۴۵ ریال که در جشن وزارت دارائی خرج شده غیر لازم تشخیص داده

و آنرا مشمول ماده (۱۵۲) قانون مجازات عمومی قرار داده است چون دادگاه اصل انعقاد

جشن را در حدود وظائف هیئت مدیره دانسته دیگر نمیتوانسته ماهیت آنرا تفکیک نموده

و دو نظر مختلف اتخاذ نماید بنابراین این اتهام را فاقد جنبه جزائی دانسته تقاضای نقض

بلاارجاع آنرا طبق قسمت سوم ماده (۴۵۸) آئین دادرسی کیفری دارم و اگر شرکت شیلات

از این جهت خودرا متضرر میداند مدیران میتوانند از طریق موازین حقوقی جبران آنرا بخواهند.

۲ - در خصوص اتهام هیئت مدیره در تصرف غیرقانونی نسبت به مبلغ هفتصد و

پنجاه هزار تومان دادگاه باستناد اینکه «وزیر دارائی نماینده سهام حق امر ونهی به هیئت مدیره

جز از طریق شرکت در مجمع عمومی و با تشریفات مقرر در اساسنامه شرکت شیلات و قانون تجارت نداشته نامبرده پشت میز وزارت دارائی در خارج از مجمع عمومی حق اخذ چنین تصمیمی نداشته چه قانون تجارت بطوریکه از مجموع مواد آن مستفاد است قانونی است شکلی و شدیداً محدود باشکال و مقررات مصرح در قانون است « آقایان سرتیپ نویسی و عظیمیا را بمجازاتهایی مقرر در ماده ۱۵۲ با توجه بماده ۲ قانون مجازات مختلسین اموال دولتی مصوب ۱۶ آذر ۱۳۰۶ محکوم کرده است.

چون اساسنامه شرکت شیلات که در تاریخ ششم تیر ۱۳۳۲ طبق اختیارات بتصویب رسیده بواسطه عدم تأیید آن از طرف دولت و مجلسین ملغی الاثر گردیده برای خل امر باید مقررات قانون تجارت را میزان و ضابطه قرار داد. طبق ماده ۶۱ قانون مزبور مدیرهای شرکت برای تخلف از مقررات قانون تجارت و تقصیراتی که در اعمال اداری شرکت مرتکب میشوند موافق قواعد عمومی مسئول میباشند.

از طرفی طبق ماده ۵۱ مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکاء همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد و مطابق ماده (۷۲) تصمیمات مجمع عمومی با کثرت آراء خواهد بود.

از تلفیق این مواد مسلم میگردد که مسئولیت هیئت مدیره در صورتی است که برخلاف منافع سهامداران و یا قوانین مربوط به نظم عمومی رفتار کرده باشند.

از مجموعه تحقیقاتی که در مورد تصرف غیر قانونی هفتصد و پنجاه هزار تومان بعمل آمده معلوم شده که هیئت مدیره قبل از مداخله وزیر دارائی وقت بواسطه اینکه خانم دولو تعهدات خود را در زمینه حمل خاویار و پرداخت بها در مواعد معین در قرارداد انجام نداده پس از کسب نظر مشاورین شرکت قرارداد را فسخ و وجه ضمانت نامه را ضبط و آنرا بحساب شرکت شیلات در بانک ملی شعبه فردوسی ریخته اند و بعداً بموجب دستور صریح وزیر دارائی وقت هیئت مدیره ناگزیر شده وجه الضمان ضبط شده را بخانم دولو برگشت دهد.

داد گاه با اینکه قبول دارد که وزیر دارائی نماینده سهام شرکت میباشد و نظریات او در مجمع عمومی طبق ماده ۷۲ متبع میباشد تحت عنوان اینکه نظریه او تنها در اطاق مجمع عمومی قابل اتباع بوده نه در اطاق وزارت خانه مسئولیت مسترد داشتن سپرده را متوجه هیئت مدیره کرده است این نظریه داد گاه صحیح نمیشد زیرا در امور جزائی سوء نیت یکی از مسائل حیاتی در توجه اتهام به متهم میباشد و جرم بدوی آن تحقق نمی یابد و در واقع سوء نیت آنست که به فعل ارتكابی رنگ جرم میدهد یا اینکه هیئت مدیره قبل از مداخله وزیر دارائی با فسخ قرارداد و ضبط سپرده حسن نیت خود را در حفظ منافع شرکت در این قسمت آشکار ساخته و پس از دستور وزیر دارائی که نماینده صاحبان سهام میباشد ناگزیر باسترداد شده چگونه میتوان قائل به سوء نیت و بالتبعه مسئولیت او شد داد گاه بتفاوت نام اطاق قائل به مسئولیت و عدم مسئولیت هیئت مدیره شده است یعنی معتقد است که اگر نظریه وزیر دارائی در اطاق وزارت خانه ابراز شود بدون اثر است ولی اگر در اطاق مجمع عمومی که منحصرأ مرکب از وزیر دارائی و سه عضو هیئت مدیره و بازرس دولت است گفته شود رافع مسئولیت هیئت مدیره میباشد در صورتیکه در امور جزائی وظیفه داد گاه این است که

قضاوت خود را بیشتر معطوف عامل جرم و طرز فکر و انگیزه او کند و دواعی ارتکاب جرم را بسنجد و قصد نهائی متهم را نسبت بعمل ارتكابی او در نظر گیرد و درجه اختیار متهم را در ارتکاب جرم ملحوظ دارد. هیئت مدیره‌ای که در مجمع عمومی تصمیمات او در مقابل تصمیم وزیر دارائی مستهلک بوده و رابطه او هم با صاحبان سهام طبق ماده ۵۱ متکی بر مسئولیت وکیل در مقابل موکل است چاره جز اطاعت از امر وزیر دارائی ندارد اگر اشخاصی مانند مرحوم صهبا و اینجانب که سابقاً عضویت شرکت شیلات را داشته‌ام در مقابل تصمیمات وزیر دارائی و حتی هیئت دولت مقاومت ورزیده‌ایم اولاً تا حدی مربوط با اختیارات موسعی بود که اساسنامه برای هیئت مدیره قائل شده و بعداً آن اختیارات در اثر عدم تأیید اساسنامه از طرف دولت و مجلسین مانعی الاثر گردیده و در ثانی مربوط بساختمان روحی است و نمیتوان همین توقع را از سایرین داشت ماده (۴۲) قانون مجازات عمومی برای معافیت اشخاصی وضع شده که نمیتوانند در مقابل مافوق مقاومت نمایند اگر هیئت مدیره در این قضیه سوءنیت داشت و میخواست نفع خانم دولورا رعایت کند اقدام به فسخ قرارداد نمیکرد چون تنها سوءنیت موجب مسئولیت میشود و هیئت مدیره قبلاً اقدام بانجام وظیفه قانونی خود در این قسمت نموده و بعد از دستور وزیر دارائی که نماینده صاحبان سهام است اقدام باسترداد نموده‌اند از این حیث مسئولیتی متوجه آنان نمیشود و معتقد به نقض بلاارجاع حکم در این قسمت میباشم.

۳ - نسبت بانطباق اتهامات ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ آقای سرتیپ روح الله نویسی بشارکت اشخاص دیگر مندرج در قسمت (الف) رای دادگاه با ماده (۱۵۲) قانون مجازات عمومی و انطباق اتهامات ۲ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ آقای مهدی عظیمی بشارکت اشخاص دیگر مندرج در قسمت (ب) رای دادگاه با ماده (۱۵۲)

و انطباق اتهامات ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ آقای حسام الدین نجم آبادی بشارکت اشخاص دیگر مندرج در بند (ج) رای دادگاه با ماده (۱۵۲)

و انطباق اتهامات ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ بانو احسان نیکخواه دولو با اشخاص دیگر مندرج در بند (د) رای دادگاه با ماده (۱۵۲) عمل دادگاه بشرحیکه ذیلا توضیح میشود صحیح نبوده است.

با امعان نظر بر ماده (۱۵۲) قانون مجازات عمومی بخوبی مشهود میگردد که مجازات مقرر در آن ماده مربوط بجرم اختلاس و جرم تصرف غیر قانونی است و برای تشریح مطلب لازم است عناصر تشکیل دهنده هر یک از این دو جرم تحلیل شود.

جرم اختلاس

عناصر تشکیل دهنده جرم اختلاس عبارت است از:

اول - تصاحب اموال و اشیاء مندرجه در ماده ۱۵۲ از طرف تحصیلداران و امانت داران

و اشخاص دیگری که در همان ماده تعداد و احصاء شده است.

دوم - عنصر معنوی یعنی سوء نیت باین معنی که اشخاص مفصلة الاسامی فوق اموال و نقود ذکر شده در ماده را بعنوان مالک تصاحب نمایند بطوریکه بخواهند از مالکین واقعی سلب مالکیت نمایند سوء نیت متهم از نفس فعل ارتكابی او استنباط میشود.

جرم تصرف غیر قانونی

عناصر تشکیل دهنده جرم تصرف غیر قانونی عبارت است از :

اول - صرف اموال مذکور در ماده ۱۵۲ بغیر از مصرفی که برای آن پیش بینی شده است این عنصر از تفسیری که در جزء ۱۶ قانون متمم قانون جزای عمال دولت مصوب اسفند ۱۳۰۸ بشرح زیر شده است استخراج میگردد.

« موارد ذیل تصرف غیر قانونی بآن معنی که در قوانین جزائی منظور است محسوب نخواهد شد.

الف - صرف کردن از عوائد عمومی بمحلی که اساساً خرج در آن محل جزو اعتبارات خصوصی تصویب شده و تأخیر در بعمل آوردن آن مصارف و انتظار صدور اجازه باعث فوت وقت میشود.

ب - صرف کردن از وجوه خصوصی بمحلی که اساساً خرج در آن محل جزو اعتبارات خصوصی تصویب شده و تأخیر در بعمل آوردن آن مصارف و انتظار صدور اجازه باعث فوت وقت میشود.

ج - بعمل آوردن مصارفی که اعتبار آنها تصویب نشده ولی مصلحت اداری آن مصارف را ایجاب نمیکرده است « مشروط بر اینکه جمیع مصارفی که یک نفر بعمل آورده از صد تومان تجاوز نکند »

با تعمق بر تفسیر بالا و طبع قضائی آن موارد تصرف غیر قانونی محصور بر ه مواد ذیل است :

۱ - صرف کردن از عوائد عمومی بمحلی که اساساً خرج در آن محل جزو اعتبارات عمومی تصویب نشده باشد.

۲ - صرف کردن از وجوه خصوصی بمحلی که اساساً خرج در آن محل جزو اعتبارات خصوصی تصویب نشده باشد.

۳ - صرف کردن از عوائد عمومی بمحلی که اساساً خرج در آن محل جزو اعتبارات خصوصی تصویب شده ولی تأخیر در بعمل آوردن مصارف و انتظار صدور اجازه باعث فوت وقت نشود.

۴ - صرف کردن از وجوه خصوصی بمحلی که اساساً خرج در آن محل جزو اعتبارات خصوصی تصویب شده و تأخیر در بعمل آوردن آن مصارف و انتظار صدور اجازه باعث فوت وقت نشود.

۵ - بعمل آوردن مصارفی که اعتبار آنها تصویب نشده ولی مصلحت اداری آن مصارف را ایجاب نمیکرده است مشروط بر اینکه مصارفی که یک نفر باین ترتیب بعمل آورده از صد تومان تجاوز نکند.

قانون کیفر ارتش در ماده (۱۰۰) برای رفع اجمال از مفهوم تصرف غیر قانونی اصطلاح «تصرفات غیر مجاز» را پیش بینی کرده است.

دوم - عنصر دیگر تشکیل دهنده تصرف غیرقانونی سوءنیت مطلق یعنی قصدعامل بارتکاب جرم با وجود معرفت او به نامشروعیت عمل خویش میباشد.

در جرم تصرف غیر قانونی عنصر سوءنیت مقید یعنی قصد اضرار وجود ندارد و همینقدر که عمل ارتكابی تصرف غیر مجاز تلقی شد عنوان تصرف قانونی بر آن صدق میکند. با تشریحات بالامسلم میگردد که اولاً اتهامات مربوط بفروش خاویار و ماهی و توزیع آن عنوان اختلاس ندارد زیرا یکی از ارکان جرم اختلاس تصاحب وجوه صرف شده است که از این حیث دلیلی دادگاه استنباط نکرده است کما اینکه دادگاه هم عنوان اختلاس را بر آن منطبق ننموده است.

ثانیاً با تفسیری که از مفهوم تصرف غیرقانونی از طرف مقنن شده مسلم است که انطباق اتهامات فروش خاویار و ماهی با ماده ۱۰۲ نا صحیح میباشد مؤید عدم وجاهت این انطباق امعان نظر بر ماده ۱۰۳ قانون مجازات عمومی و تحلیل آن میباشد.

جرم پیش بینی شده در ماده (۱۵۳)

ارکان تشکیل دهنده ماده (۱۰۳) قانون مجازات عمومی با توجه به قانون راجع به محاکمه و مجازات مأمورین به خدمات عمومی مصوب اردیبهشت ۱۳۱۵ بقرار ذیل است:

اول - عنصر مادی یعنی خرید و یا فروش و یا ساختن چیزی یا امر بساختن آن برای دولت

دوم - عنصر سوءنیت مطلق یعنی قصد عامل با ارتکاب جرم با وجود معرفت او به نامشروعیت عمل خویش.

سوم - دایعه بردن نفع که متهم را بارتکاب جرم سوق میدهد.

توضیح آنکه اصولاً داعی ارتکاب جرم در وجود آوردن جرم تأثیری ندارد ولی در مواز استثنائی داعی ممکن است یکی از ارکان اصلی جرم بشمار آید مانند همین ماده (۱۰۳) که متهم با سوءنیت خرید و فروش مینماید تا خود یا دیگری که منظور نظر اوست از آن منتفع شود با اینکه در ماده (۱۰۳) داعی و مقصد نهائی متهم در ارتکاب جرم منتفع شدن است و بطور کلی داعی باید از ارکان تشکیل دهنده جرم محسوب شود معذالک یکی از عناصر وجود آوردن جرم بشمار آمده است و فلسفه آن این است که قانونگذار خواسته مستخدمی که در خرید و یا فروش برای دولت قصد انتفاع برای خود و یا دیگری نداشته ولی در اثر مسامحه او در خرید یا فروش دولت متضرر شده عمل او در معرض مجازات جنائی قرار نگیرد.

از مقایسه ارکان تشکیل دهنده جرم تصرف غیرقانونی و جرم پیش بینی نشده در ماده (۱۰۳) محرز میگردد که عناصر تشکیل دهنده جرم تصرف غیرقانونی با عناصر تشکیل دهنده جرم پیش بینی شده در ماده (۱۰۳) از حیث تعداد و طبیعت مختلف است.

در جرم تصرف غیرقانونی عنصر مادی عبارت است از صرف اموال مذکوره در ماده (۱۰۲) بغیر از مصرفی که برای آن پیش بینی شده در صورتیکه در جرم پیش بینی شده در ماده (۱۰۳) عنصر مادی عبارت میباشد از خرید و یا فروش یا ساختن چیزی یا امر بساختن آن برای دولت.

در جرم تصرف غیرقانونی عنصر معنوی واحد بوده و عبارت است از سوءنیت مطلق یعنی قصد عامل بارتکاب جرم با وجود معرفت او به نامشروعیت عمل خویش در صورتیکه در جرم پیش بینی شده در ماده (۱۰۳) سه عنصر معنوی وجود دارد یکی سوءنیت مطلق یعنی قصد عامل بارتکاب جرم با وجود معرفت او به نامشروعیت عمل خویش که در تمام جرائم مشترك است.

دوم داعی یعنی قصد انتفاع که از طرف فاعل جرم تعقیب میشود.

سوم قصد اضرار بدولت

اینکه دادگاه در رای خود نوشته :

« برای تحقق اعمالی که طبق ماده (۱۰۳) قانون مجازات عمومی جرم شناخته شده است بایستی تدلیس یعنی خدعه و فریب بکار رفته باشد و مرتکب با توسل باعمال متقلبانه و خدعه آمیز و فریبنده دولت را فریب داده است » ناصحیح است زیرا قانونگذار ایران لفظ تدلیس را از لفظ (DoI) فرانسوی اقتباس نموده و قانونگذار فرانسه نیز لفظ (DoI) را که بمعنی تدلیس است از قانون مدنی فرانسه استعاره کرده و آنرا در حقوق جزا برای سوءنیت بطور کلی اصطلاح کرده است باین معنی که هم شامل سوءنیت مطلق عامل جرم شده و هم متضمن عملیات مخفیانه متهم و تمهیداتی که بکار میزنند « معنی تدلیس در صفحه ۵۷۲ حقوق جزای کارو جلد اول بشرح ذیل تعریف شده است : سوءنیت یا (DoI) (تدلیس) در حقوق جزا عبارت است از اراده انجام عملی که تقصیر قلمداد شده و قابل مجازات است همین عقیده از طرف سایر علمای جزا اظهار شده است »

اینکه دادگاه نوشته

« عنوان تصرف غیرقانونی مذکور در ماده (۱۰۲) قانون مجازات عمومی شامل هرگونه خیانت در امانتی است که از طرف امناء دولتی در دارائی متعلق بدولت تحقق یافته باشد در حقیقت تصرف غیرقانونی در ماده (۱۰۲) بمعنای عام و وسیعی ماخوذ گردیده که وجه اخض آن اختلاس شناخته شده و سایر وجوه آن عبارت یا هر تصرف قانونی بیان گردیده است » صحیح نبوده و موجب شده که دادگاه در تطبیق اتهام ماده قانونی دچار اشتباه شود زیرا اگر فرضاً بر خلاف تشریحات بالا عنوان تصرف غیرقانونی مذکور در ماده (۱۰۲) را بمعنای عام و وسیع گرفته و شامل هرگونه خیانتی که از طرف امناء دولتی ارتکاب میشود بدانیم پس چرا برای خرید و فروش مذکور در ماده (۱۰۳) مقنن حکمی خاص معین کرده است از طرفی چون وضع ماده (۱۰۲) و (۱۰۳) در یک زمان بوده است اگر فرضاً برخلاف تجزیه و تحلیلی که فوقاً از جرم تصرف غیرقانونی بعمل آمد آنرا شامل اعمال خیانت آمیزانه دولتی بدانیم طبق اصول مسلمه قضاء وقتی دو حکم عام و خاص از لحاظ زمان مقارن باشند مقدم داشتن خاص بر عام یعنی تخصص عام بوسیله خاص مورد اتفاق همه علماء است بنابراین چون مورد اتهام فروش خاویار و ماهی است نمیتوان بعذر اینکه معنای تصرف غیرقانونی عام و وسیع است اتهام فروش را از مشمولات ماده (۱۰۲) دانست و از تطبیق آن با ماده (۱۰۳) که عوامل تشکیل دهنده آن متفاوت است اعراض کرد اگر منظور مقنن این بود که اتهامات فروش خاویار ماهی که بنظر دادگاه فاقد عنصر تدلیس است از مصداق ماده (۱۰۲) بشمار آید و مجازات آن

تا ده سال حبس مجرد باشد چگونه خرید و فروش که متضمن تدلیس یعنی کیفیت مشدده است مجازات آنرا ابتدا هفت سال قرارداد داده و بعداً آنرا ده سال کرده است تعیین ماده خاص برای خرید و فروش بارزترین دلیل است که هیچگاه نمیتوان اتهام فروش خاویار را مشمول ماده (۱۰۲) قرارداد. از تشریحات بالا مسلم میگردد که دادگاه در تطبیق محکومیت سیزده فقره معامله خاویار باب اروپا دچار اشتباه شده و بجای منطبق ساختن عمل بر ماده (۱۰۳) قانون مجازات عمومی آنرا بر ماده (۱۰۲) انطباق داده است. دادسرای دیوانعالی کشور با توجه به تبصره ماده (۴۰۶) آئین دادرسی کیفری دأثر بر:

« هرگاه در تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با مواد کیفری و رعایت جهات مخففه و مشدده و مقررات مربوط به تکرار و تعدد و احتساب مدت مجازات و محاسبه بمتهم اخفاست و یا ذکر اسم و مشخصات متهم و مدعی خصوصی از طرف دادگاه صادرکننده جریمه و جزای نقدی و ضرر و زیان مدعی خصوصی و رعایت و عدم رعایت قانونی که نسبت بمتهم اخفاست و یا ذکر اسم و مشخصات متهم و مدعی خصوصی از طرف دادگاه صادرکننده حکم فرجامخواسته اشتباهی رخ داده باشد دیوانکشور بدون اینکه اساس حکم را نقض نماید اشتباه را رفع نموده و حکم فرجامخواسته را تصحیح مینماید مشروط بر اینکه رفع اشتباه محتاج برسدگی ماهوی در دادگاه ثانی نباشد » از هیئت مستشاران شعبه ۱۱ دیوانعالی کشور تقاضای تصحیح سیزده فقره محکومیت معامله خاویار باب اروپا و بالتیجه ابرام حکم صادر شده را در این قسمت مینمایم زیرا رفع اشتباه بجهاتی که در حکم بآن اشاره شده و ذیلانگاشته میشود محتاج بر سیدگی ماهوی نمیشود.

« بطوریکه از محتویات پرونده استنباط میشود پس از لغو قرارداد ۸۸۴۱ منعقدہ با شرکت خاویار ایران بنا بادعای آقای عظیمی احد از اعضای هیئت بشرح مذکور در لایحه دفاعیه ایشان از لحاظ لطافت و سریع الفساد بودن خاویار برای اینکه بر اثر تغییر وضع پس از لغو قرارداد زیانی متوجه شرکت نشود قبلاً با پیش بینی رعایت این مصاحبت قرارداد ۶۹۳۷ را با کمپانی ایگلت بنمایندگی ژرژفیکس و با شرایط و قیمت‌های مندرج در آن قرارداد که حداعلای قیمت جنس رقم یک آن ۳۶ دلار است تنظیم و بالاخره قرارداد مذکور را با او امضاء کرده‌اند و بر اثر فراهم آمدن اوضاع و احوال منعکس در پرونده و اشکالاتی که در مقام اجرا قرارداد مذکور بزعیم هیئت مدیره مستند به برخی گزارشات و مدارک موجود در پرونده بوجود آمد قرارداد یاد شده معوق ماند پس بدلیل وجود قرارداد منعقدہ با شرکت ایگلت و قرینه دیگری که بعداً ذکر خواهد شد اعلی القیم خاویار ممتاز رقم یک ۳۶ دلار و بیهای انواع دیگر بشرح مذکور در قرارداد با شرکت ایگلت بوده که این معنی مورد تأیید هیئت مدیره در گزارشهای متعدد و از جمله گزارشهای شماره ۶۹۴۷ - ۳۸/۱۲/۲۱ - و شماره ۷۱۰۹ - ۳۸/۱۲/۲۴ و شماره ۲۰۳ - ۳۹/۱/۲۷ - محرمانه شماره ۳۹۶ قرار گرفته است و همچنین با توجه بنامه محرمانه دیگری که شرکت شیلات بعنوان آقای هنجنی کفیل وقت وزارت دارائی نوشته و بشماره ۲۲۲۳ م / ۳۹/۸/۲ ثبت دفتر وزارت دارائی شده است و تذکر داده شده که قرارداد فروش با شرکت خاویار ایران امضاء نشده و سابقه هم نشان میدهد که شرکت مزبور قادر بخرید و حمل کالای موجود که روز بروز بمیزان آن افزوده میشود دفعه واحده نیست و بجهاتی که استحضار دارند معامله با خریداران دیگری که همه روز مراجعه کرده و

وجه نقد در اختیار دارند خالی از اشکال نخواهد بود و توجه بنامه دیگری که شرکت شیلات به بانو احسان نیکخواه دولو نوشته و رونوشت آنرا بضمیمه نامه‌ایکه بشماره ۲۸۰۷۶ - ۳۹/۸/۱۵ ثبت دفتر وزارت دارائی شده جهت استحضار تیمسار سرلشگر ضرغام وزیر دارائی ارسال نموده‌اند شرکت شیلات ضمن اخطار بخانم دولو باینکه چون بدون وجود قرارداد ادامه معامله شرکت شیلات باشما مقدور نیست و چنانچه ظرف پنجروز جهت امضاء و مبادله قرارداد حاضر نشوید با سایر خریداران معامله خواهد شد تذکر داده شده که خریداران دیگری همه روزه مراجعه کرده و با وجه نقد و قیمت بالاتری تقاضای معامله دارند و در نظر گرفتن اینکه در جریان فروش خاویار پس از لغو قرارداد ۸۸۴۱ شرکت خاویار ایران نیز یک پارتی خاویار ببهای ۳۶ دلار (نرخ قرارداد ۶۹۳۷ ژرژفیکس) در صورت کالاهای شرکت خاویار ایران مشاهده میشود که بر حسب دفاع آقای عظیمیا در آخرین دفاع خود بدین عبارت (. . . .) در تاریخ تابستان سال ۱۳۳۹ یکنفر خریدار از بلژیک بنام آقای ریچارد چون شرکت جنس کافی در اختیار داشت و ایشان طالب معامله بودند با ایشان قرار معامله گذارده شده و کالاها خریداری تهران حمل گردید شرکت خاویار ایران با وسائلی که در اختیار داشته و دارد جلو حمل کالا را گرفت به قسمتی که شرکت ناگزیب شد محموله را چند روزی در انبار آقای نازارتیان نگاهداری نماید و بالاخره کالا را از شرکت بنام خود گرفت و نگذاشت که آقای ریچارد با شرکت شیلات معامله را انجام دهد) و این دفاع در برابر ایراد آقای دادیار در جلسه دادگاه است که حتی خود خانم دولو نیز یک پارتی ۱۰۰ کیلوئی را به ۳۶ دلار خریداری کرده و برده است اعم از اینکه این پارتی بوسیله خانم دولو بنحوی که آقای دادیار ادعا کرده و یا بوسیله آقای ریچارد به نحوی که آقای عظیمیا پاسخ داده است باشد منعکس کننده این حقیقت که برای شرکت شیلات در حین فروش کالا پس از لغو قرار داد ۸۸۴۲ امکاناتی جهت فروش به بهای بیشتر از آنچه بنام خانم دولو فروخته شده است وجود داشت و تنظیم قرارداد با شرکت ایگلت به بهای بیشتر از نرخهای مندرج در قرارداد ۸۸۴۱ مؤید این استنباط است و نیز منعکس از این حقیقت است که هیئت مدیره شرکت شیلات نیز رعایت صرفه و صلاح شرکت در فروش خاویار به بهائی بیش از فروش خاویار بخانم دولو تا حد قیمتهای مندرج در قرارداد شرکت ایگلت چه از لحاظ امکانات تجارتنی و چه از لحاظ بازار فروش اروپا چه از نظر مصالح مربوط به میزان و مقدار و امکان فروش کالا میدانسته است و استناد هیئت مدیره و وکلای مدافع آنها و خانم دولو و وکلای او باینکه قیمت متعادل و متعارف بر حسب تشخیص کمیسیون عالی متشکل در شرکت شیلات که نظریه آن کمیسیون در صورت مجلس ۱۴۴ م - ۳۸/۴/۱۶ منعکس است میباشد اگر چه ممکن است تا تاریخ انعقاد قرارداد با کمپانی ایگلت مؤید بمراجعه آقای ریچارد و خرید پارتی ۱۰۰ کیلوئی که حاکی از بوجود آمدن شرایط تازه بازار اروپا از لحاظ تعیین نرخ فروش میباشد مورد استناد قرار گیرد ولی پس از اطلاع و تشخیص هیئت مدیره باینکه نرخ سابق تغییر کرده و امکانات تازه برای فروش به بهای بیشتر فراهم آمده دیگر نمیتواند مؤثر در دفاع باشد و چون همان طوریکه در مقدمه هم بیان شد بر حسب ماده ۱۵ اساسنامه شرکت شیلات هیئت مدیره موظف بر رعایت کامل مصالح و منافع شیلات است بر طبق ماده ۵ قانون تجارت رابطه بین هیئت

مدیره و صاحبان سهام رابطه و کیل و موکل است و در نتیجه برحسب حکم ماده ۶۶۷ قانون مدنی ید هیئت مدیره در اموال و نقود شرکت یدامانی است و با وجود علم و اطلاع و تشخیص و تأیید هیئت مدیره باینکه امکان رعایت مصالح در شرایط انجام و معاملات خاویار پس از لغو قرارداد شماره ۸۸۴۱ برطبق شرایط جدید بازار فروش و اساس و مبنای قیمت های مندرج در قرارداد ۶۹۳۷ میسر بوده است و یا توجه باینکه در دستور وزیر دارائی قید قیمت نشده و نمیتوانست هم بشود زیرا رعایت مصلحت شرکت و مسئولیت آن با اعضای هیئت مدیره بود و دستور وزیر دارائی بشرح زیر بوده است :

شرکت شیلات چون این شخص زحماتی کشیده برابر پولی که میدهد طبق مقررات اقدام شود (ص ۲۱۵ پرونده ۵ / ۳۹ جلد اول الف اداری - شرکت شیلات ضمیمه کارتن ۳ تحقیقات بازپرس)

۴ - راجع باتهام آقای نصرت الله منتصربا شرکت اشخاص دیگر مندرج در (بند ۵) رای داد گاه همانطوریکه فوقاً تشریح شد تطبیق اتهام از طرف داد گاه با ماده ۱۰۲ ناصحیح بوده و عنواناً بر ماده ۱۰۳ قابل انطباق است ولی چون در این قسمت داد گاه راجع بسوء نیت متهمین که یکی از عناصر تشکیل دهنده جرم است تحقیقاتی بعمل نیاورده تقاضای نقض حکم را در این قسمت مینمایم تا محکمه تالی در مقام رفع نقص برآید.

۵ - راجع باتهام آقای جلالی بمشارکت اشخاص دیگر مندرج در بند (و) رای صادر شده داد گاه بجای تطبیق اتهام بر ماده (۱۰۳) آنرا با ماده (۱۰۲) منطبق ساخته است چون رفع اشتباه بجهاتیکه در حکم بان اشاره شده و ذیلانگاشته میشود محتاج برسیدگی ماهوی در محکمه تالی نمیشد طبق تبصره ماده (۴۰۶) آئین دادرسی کیفری تقاضای تصحیح حکم و ابرام آنرا در این قسمت مینمایم.

« اینکه ادعا شده عاملین فروش سابق در ماه بیش از ۱۰ تا ۱ کیلو گرم خاویار نمیتوانسته اند بفروشند صحیح نیست زیرا طبق صورت حسابهای موجود در پرونده ۲۷۰ الف ۴ شعبه ۲ بازپرسی کارتن ۴ مجموع خاویار تحویلی به مغازه های نازاراتیان بطور متوسط در ماه ۲۳ کیلو و مغازه خزر بطور متوسط ۱۸۷ کیلو در ماه و قشم فرض الله زاده بطور متوسط ۸۱ کیلو در ماه و مغازه بلوکا ۱۰۰ کیلو در ماه بوده است ادعای اینکه سرقفلی مغازه آقای جلالی هنگامی که با شرکت شیلات قرارداد عاملیت منعقد کرده بیش از یک میلیون و ششصد هزار ریال بوده و آقای جلالی از آن بِنفع شرکت شیلات صرف نظر کرده و صحیح نیست زیرا عامل مزبور سرقفلی مغازه را صرف نظر از اینکه مقدار آن چقدر باشد بِنفع خود منظور کرده چه پس از انعقاد قرارداد مغازه و به تبع آن سرقفلی مغازه در اختیار شرکت شیلات نبود تا بگوئیم عمل از سرقفلی بِنفع شرکت شیلات صرف نظر کرده است معنی صرف نظر کردن از سرقفلی این است که در مدت پنج سال شرکت شیلات اگر مصلحت دانست مغازه را در اختیار بگیرد و بنحو دلخواه بهر کس که میخواهد واگذار و یا استفاده که میخواهد از آن ببرد و حال آنکه در مورد مانحن فیه نه تنها چنین حقی بشرکت شیلات داده نشده بلکه آقای جلالی بعنوان عامل انحصاری کل فروش خاویار و سایر فرآورده های شیلات در مغازه مزبور مشغول کار بوده و از تمام مزایای کسبی و حرفه آن بِنفع خود برخوردار میشده با این وصف توسل باین عنوان که

از سرقفلی مغازه خود بنفع شرکت شیلات صرفنظر کرده است عنوان غیرواقع و دور از حقیقت بنظر میرسد و بدیهی است که هر فروشنده‌ای برای عرضه متاع خود بمشتری احتیاج به مغازه و محل کسب و کار دارد و آقای جلالی هم برای فروش محصولات شیلات که بطور انحصاری در اختیار وی بوده لازم بوده که لااقل یک مغازه در اختیار داشته باشد.

استناد باینکه انحصار بر اثر افتتاح مغازه مونوگرام و تغییر محل فروش خاویار از مغازه اسلامبول بتخت جمشید میزان کشف خاویار قاچاق بمقدار معتناهی بالا رفته نیز بدو دلیل صحیح بنظر نمیرسد اول آنکه تاتصویب قانون اساسنامه شرکت شیلات و صید ماهی‌های غضروفی مصوب ۲۸/۳/۱۳۳۹ مبنای جلوگیری شرکت شیلات از فروش خاویار غیر از طریق عاملین شرکت شیلات همان قانون ملی شدن شیلات بوده که در آن استحصال بعضی از فرآورده‌های شیلات را انحصاری اعلام داشته بود بدون اینکه برای استحصال کنندگان و افرادی که اقدام بفروش آن میکردند مجازاتی در نظر گرفته باشند و حال اینکه برطبق تبصره ۳ ماده واحده قانون اساسنامه شرکت شیلات مصوب ۲۸/۳/۱۳۳۹ برای شرکت شیلات در قبال صیادان آزادوظیفه‌ای تعیین شده دایر باینکه ماهی‌های غضروفی خاویار را که صیادان آزاد صید مینمایند حداقل بمیزان ۲٪ قیمت فروش داخلی از آنها خریداری نماید و در تبصره آن مقرر داشته صید ماهی غضروفی و خاویار در انحصار دولت میباشد فروش و صدور آن بدون اجازه دولت قاچاق محسوب و مرتکبین طبق قانون مجازات مرتکبین قاچاق قابل تعقیب خواهند بود با این وصف پس از تصویب قانون مزبور وسیله و مستند تعقیب قاچاقچیان که قبلاً وجود نداشته بوجود آمده و مأمورین کشف جرم و همچنین مأمورین وصول عایدات دولت وظیفه قانونی به تعقیب قاچاق یافته‌اند و پیدا است با چنین موقعیتی میزان کشف قاچاق و تعقیب قاچاقچیان باید منطقاً افزایش یابد دوم اینکه اگر وجود مغازه‌های فروشنده خاویار در خیابان اسلامبول موجب شیوع و ازدیاد قاچاق میبود و بهمین دلیل نیز هیئت مدیره اقدام به تغییر محل مغازه‌عاملیت کرد دیگر نمیبایستی در خیابان اسلامبول و حوالی آن بکسان دیگری اجازه فروش خاویار داده شود و حال آنکه در پرونده منعکس است که آقای جلالی و شرکت شیلات پس از انعقاد قرارداد با آقای جلالی چه مستقیماً و چه غیر مستقیم بکسان دیگری از جمله آقای سمساک نازارتیان که مغازه اش در خیابان اسلامبول بوده بانرخ سود عاملیتی بمیزان ۵٪ حق فروش خاویار را داده‌اند و پنج درصد هم از مجموع ۱۰٪ حق عاملیت را به آقای جلالی برگردانده‌اند.

و اما درباره واگذاری عاملیت فروش شرکت مونداکسپرس با نرخ ۱۰٪ که در کیفرخواست و دفاع آقایان وکلای مدافع و آخرین دفاع بعضی از متهمین بدان اشاره شد موضوع از این قرار بوده است که برای فروش خاویار بمسافرین و خریداران که در فرودگاه مهرآباد میخواستند خاویار تهیه کنند بین شرکت سهامی شیلات ایران و شرکت سهامی مونداکسپرس قراردادی بشماره ۸۷-۱۱/۶/۳۷ منعقد شده است که در ماده ۱ این قرارداد تصریح شده عامل فروش فقط مجاز است بهر خریداری که عازم خارج میباشد حداکثر یک کیلو خاویار بفروشد که از این ماده برمیآید این قرارداد برای فروش مقدار کمی خاویار که مورد نیاز خریداران عازم خارج بوده منعقد شده و برای اینکه با فروش کم برای فروشنده عهده‌دار شدن عاملیت فروش صرف کند طبعاً باید حق عاملیت متناسب با اوضاع و احوال

تصمیم شود و در ماده ۱۳ قرارداد چنین گفته شده نظریه مخارجی که از حیث تجهیزات و تأسیسات و تبلیغات در سال اول فروشنده تعهد مینماید شرکت عجلتاً برای سال اول ۱٪ از قیمت مندرج در فاکتور بنام حق العمل از شرکت شیلات بعامل فروش تخفیف خواهد داد و این تخفیف در سالهای بعد با توجه بمیزان فروش و هزینه های فروشگاه قابل تجدید نظر بوده ولی در هر صورت از ۱۰٪ تجاوز نخواهد کرد و در ماده ۱۴ عامل فروش متعهد شده در این فروشگاه فقط محصولات شرکت شیلات را بفروش برساند (صفحه ۲۹ پرونده ۲۷-۴ کارتن ۴ شعبه ۲ بازپرسی) که باین وصف محدود بودن میزان فروش کالا به یک کیلو برای هر خریدار و محدود بودن خریداران به کسانی که از فرودگاه مهرآباد عازم خارج هستند و قابل تجدید نظر بودن همین میزان ۱۰٪ بنفع شرکت شیلات و اینکه تصویب این ۱۰٪ بصراحت ماده فوق الاشعار باین علت بوده که برای تزئین مغازه و آماده کردن فروشگاه مهرآباد و تبلیغات مخارجی بعهده عامل گذارده شده و عدم وجود هیچگونه امتیاز دیگری از آن قبیل که برای فروشگاه مونوگرام بشرح قرارداد منعقد مذکور در کیفرخواست در نظر گرفته شده آنرا از دایره قیاس با قرارداد عاملیت آقای جلالی خارج میکند و این دو قرارداد نه از جهت شرایط و امتیازات و نه از جهت حق عاملیت قابل مقایسه نیستند.

و اما درباره کرایه سردخانه و حقوق و مزایای خاویار ساز و سایر تعهداتی که آقای جلالی و وکیل ایشان ادعا دارند در قبال شیلات بعهده گرفته اند شرکت شیلات اولاً تعهد کرده دو یخچال بظرفیت سی فوت مکعب و برق سه فاز و یک دستگاه موتور ژنراتور که مشخصات آن بعداً تعیین خواهد شد در اختیار آقای جلالی بگذارد ثانیاً دستگاه بسته بندی خاویار پس از رسیدن بایران تحویل آقای جلالی شود ثالثاً پس از انقضای پنج سال که خود مدت قابل توجه و امتیازی بنفع آقای جلالی است حق تقدم در موضوع عاملیت با آقای جلالی خواهد بود رابعاً - آقای جلالی میتواند عاملین فروش فرعی تعیین کند و ۵٪ از فروش آنها را بعنوان حق عاملیت برای خود بگیرد حق عاملیت خاویار مصرفی در فروشگاه مهرآباد و ترانزیت آقای جلالی است خامساً از هر مقدار خاویاری که شرکت شیلات مستقیماً هم بفروشد ۱٪ حق عاملیت به آقای جلالی تعلق میگیرد. حق عاملیت فروش ماهی های غضروفی ۳٪ و سایر انواع ماهی ۲٪ و خاویار ۱۰٪ تعیین شده است که قطع نظر از این میزان حق عاملیت امتیازاتی که با آقای جلالی بشرح فوق از طرف شرکت شیلات داده شده خود در خور توجه است و مسلم است که بعاملین سابق این امتیازات داده نشده است و با توجه باینکه هیئت مدیره شرکت سهامی شیلات در تاریخ ۳/۶/۱۳۳۹ ضمن صورتجلسه ۲۸۸۲/۳۵۴ بشرح مذکور در بند ۶ صورت جلسه تصویب کرده است (در مورد عاملین جدیدی که فروش ماهی و خاویار را در ده نقطه تهران بعداً عهده دار خواهند شد موافقت گردید تا میزان فروش ماهیانه ۱ کیلو خاویار پنج درصد و نسبت بمازاد هر کیلو ۱/۲٪ سود عاملیت پرداخت گردد و با توجه باینکه در ذیل تقاضای عاملیت آقای جلالی (صفحه ۱ پوشه الف جلد اول کارتن ۴) چنین تصمیم گرفته شده.

« در جلسه مورخ ۱۲/۸/۳۹ هیئت مدیره مطرح مقرر گردید کمیسیونی با حضور

آقایان عظیمی و نجم آبادی اعضاء هیئت مدیره پژوه افسر بازرس دولت نبوی رئیس بهره برداری

و بازرس فنی تشکیل با توجه باینکه هیچگونه تعهدی در آینده برای شرکت ایجاد نکند و ۱۰٪ حق العمل دریافت دارد و توزیع آن با نظر شرکت شیلات انجام گیرد ترتیب کار را بدهند» و اینکه تصمیم هیئت مدیره قطع نظر از اینکه تصویب ۱۰٪ با گذشته دوماه از تصویب نامه شماره ۳۵۴/۲۸۸۲ بدون اینکه اوضاع و احوال جدید موجها بالا بردن حق عاملیت را ایجاد کند و مصالح شرکت شیلات را در بر داشته باشد خود بدون دلیل و غیر موجه و حاوی بی اعتنائی بمصالح شرکت است برخلاف تصمیم مورخ ۱۳۳۹/۸/۱۲ هیئت مدیره نیز هست چه شرط انعقاد قرارداد با آقای جلالی و بالا بردن حق عاملیت بمیزان ۱۰٪ این بود که تعهدی برای شرکت در قبال آقای جلالی ایجاد نکند و حال آنکه بشرحی که گفته شد امضاء کنندگان قرارداد علاوه بر افزایش حق عاملیت به ۱۰٪ حق عاملیت را نسبت ب ماهی غضروفی و ماهی حلال بمیل خود تا ۳۰٪ و ۲۰٪ بالا برده اند و بعلاوه تعهدات بسیاری از قبیل حق تقدم بعد از پنج سال انحصاری بودن عاملیت آقای جلالی و گذاری و مسائل کار بشرح مذکور و قرارداد و گذاری فروشگاه مهرآباد با پرداخت ۱٪ نسبت به فروشهای مستقیم حق و گذاری عاملیت بعاملین فرعی با و داده اند که من حیث المجموع برخلاف تصمیم های قبلی هیئت مدیره است بدون اینکه مصلحت خاصی دادن این همه امتیاز را ایجاب کند و این مجموع حکایت از این دارد که امضاء کنندگان قرارداد برخلاف مصلحت شیلات منافی بمیزان مابه التفاوت حق عاملیت مصوبه مورخ ۳۹/۶/۳ (تا ۱۰ کیلو و از ۱۰ کیلو به بالا ۱/۲٪) و حق عاملیت مذکور در قرارداد با آقای جلالی رسانده اند و چون امضاء هیئت مدیره شیلات کارمندان دولت شاغل در شرکت سهامی شیلات و بدانها نسبت ب اموال و اجناس و تقدینه های متعلق بشیلات ید امانی است و تجاوز تفریط و تعدی آنها در اموال مذکور بشرحی که قبلا توضیح داده شد خیانت در امانت دولتی و منطبق بر ماده (۱۰۳) قانون مجازات عمومی است و با توجه باینکه آقای جلال الدین جلالی در جزئیات این عمل امضاء هیئت مدیره با علم باینکه سود عاملیت مقرر برای عاملین قبلی شیلات ۵٪ و ۱/۲٪ بوده شرکت داشته و انگیزه اعضای هیئت مدیره شیلات در ارتکاب این جرم نفع رساندن زائد از میزان معمولی بشرحی که گذشت با آقای جلال الدین جلالی بوده است لذا رای بر محکومیت امضاء کنندگان قرارداد که عبارت از آقایان مهدی عظیمی و حسام الدین نجم آبادی امضاء هیئت مدیره شرکت شیلات و جلال الدین جلالی مدیر مغازه مونیوگرام و شریک در ارتکاب جرم مزبور میباشند با استناد ماده (۱۰۲) قانون مجازات عمومی و مواد ۳۰۲ و ۳۰۳ قانون مجازات مختلسین اموال دولتی و ماده ۴ قانون مصوب دیمه ۱۳۱۷ با رعایت ماده ۲۷ قانون مجازات عمومی و اعمال ماده ۵۰ مکرر قانون مجازات عمومی درباره آقایان عظیمی و نجم آبادی و بند ۴ ماده ۴ همان قانون درباره آقای جلالی صادر شده است و چون آقای سرتیپ نویسی قرارداد مورد بحث را امضاء نکرده و بشرح منعکس در پرونده پس از انعقاد قرارداد هم با آن مخالفت نمیکرده و دلیل کافی بشرکت او در ارتکاب باین جرم وجود نداشته بعلمت تقدیر دلیل کافی رای بر برائت نامبرده صادر گردیده»

در خاتمه تقاضاهای دادسرای دیوان عالی کشور را بشرح زیر تلخیص مینمایم.

۱ - تقاضای نقض بلا ارجاع نسبت باتهام تصرف غیرقانونی بمبلغ ۵۷۷۳۰ ریال

- ۲ - تقاضای نقض بلاارجاع نسبت با اتهام تصرف غیرقانونی به مبلغ هفتصد و پنجاه هزار تومان .
- ۳ - تقاضای تصحیح و ابرام حکم در سیزده فقره محکومیت معامله خاویار باب اروپا
- ۴ - تقاضای نقض حکم در قسمت اتهام آقای منتصر با شرکت اشخاص دیگر از جهت رسیدگی مجدد .
- ۵ - تقاضای تصحیح و ابرام حکم راجع با اتهام آقای جلالی بشارکت اشخاص دیگر .

دادستان کل کشور - دکتر علی آبادی

مشاوره نموده چنین رای میدهند :

از جمله اعتراضات آقایان عمیدی نوری و پوررضا و کلاء مدافع سرتیپ روح الله نویسی و نصرت الله منتصر ایراد بصلاحیت دیوان کیفر در رسیدگی با اتهامات سرتیپ نویسی و بالملازمه متهمین دیگر است که این ایراد موجه بنظر نرسید زیرا مطابق ماده واحده مصوب خردادماه ۱۳۳۹ رسیدگی بجرائم عمومی افسران و افراد کارمندان نیروهای مسلح شاهنشاهی در محاکم عمومی بعمل میآید مگر اینکه بزه بسبب خدمت نظامی یا در حین خدمت نظامی روی داده باشد چون وظایفی که طبقات مذکوره در ماده فوق باقتضای مأموریت محوله در ادارات شرکت های دولتی ، و مؤسسات عمومی انجام میدهند خدمت نظامی محسوب نمیشود . تا بر فرض ارتکاب جرم وقوع بزه در حین یا بسبب خدمت نظامی تلقی گردد . لذا رسیدگی با اتهامات سرتیپ نویسی مدیرعامل شرکت سهامی شیلات ایران داخل در صلاحیت دیوان کیفر بوده و اعتراضات آقایان و کلاء مدافع از این حیث و همچنین اشاره با اعتراض آقای عمیدی نوری مبنی بر اینکه شرکت سهامی شیلات را شرکت بازرگانی نمیداند مردود است .

اما راجع به بقیه اعتراضات آقایان و کلاء مدافع و متهمین (محکوم علیهم) با توجه بمحتویات پرونده و جریان رسیدگی بشرحیکه ذیلا توضیح میشود برحکم فرجامخواسته اشکال مؤثر وارد است .

الف - نسبت با اتهام سرتیپ روح الله نویسی بتصرف غیرقانونی در مبلغ ۵۷۷۳۵ ریال از مجموع ۱۴۸۵۴۵ ریال که در مجلس جشن منعقد در سالن وزارت دارائی خرج شده است با اینکه دادگاه اصل انعقاد مجلس جشن را بمنظور تعظیم شعائر مذهبی و تبلیغ به نفع شرکت شیلات از جمله نمایش فیلم محصولات شیلات بی اشکال و در حدود صلاحیت هیئت مدیره دانسته و عادتاً هم تشکیل این قبیل مجالس که متضمن تبلیغ و فروش و ترویج محصول و جلب مشتری است در شرکت های که بر اساس و اصول بازرگانی اداره میشود معمول و مسبوق بسابقه است و در عین حال که وجود اعتبار و پرداخت مخارج جشن از محل بودجه شیلات از لحاظ دادگاه بلامانع بوده معذالک دادگاه صادرکننده حکم در ماهیت مخارج و مصارف جشن قائل بتفصیل و تفکیک شده قسمتی از ارقام خرج را مجاز و بعضی آنرا غیر مجاز و تصرف غیرقانونی تلقی کرده است چون تقسیم یک عمل باجزاء مختلفه یعنی تشخیص اینکه جزئی از عمل جرم و جزئی از آن بزه محسوب نمیشود معنا اتخاذ نظر و تصمیم متناقض نسبت بفعل و موضوع واحد است که این خود برخلاف قانون ، اصول و منطق ، و مبانی حقوق جزاست و

چون پرداخت مخارج جشن مزبور مقید باعتبار و در حدود اختیارات هیئت مدیره و مدیرعامل بوده و عمل متهم علی ایحال فاقد جنبه کیفری است. علیهذا حکم فرجامخواسته مبنی بر محکومیت سرتیپ نویسی که از حیث تطبیق مورد بر ماده (۱۰۲) قانون مجازات عمومی مخدوش بنظر رسیده مستنداً بماده (۴۰۸) قانون آئین دادرسی کیفری نقض بلاارجاع میشود.

ب - اتهام سرتیپ روح الله نویسی و مهدی عظیمی بشرکت در تصرف غیر قانونی مبلغ ۷۰۰۰۰۰ ریال سپرده خانم احسان نیکخواه دولو.

طبق حکایت پرونده و مجموع تحقیقات انجام شده چون خانم دولو طرف قرارداد شیلات تعهدات خود را در زمینه حمل خاویار پرداخت بهای آن در موعد معینه انجام نمیداد هیئت مدیره بلحاظ حفظ مصالح و منافع شرکت سهامی شیلات و پس از جلب نظر مشاورین فنی و حقوقی خود قرارداد منعقد با مشارالیه را «قرارداد شماره ۸۸۴۱ - ۳۸/۴/۲۳» فسخ و سپرده خانم دولو را بفتح شرکت ضبط کرده است و بعداً بموجب دستور صریح و کتبی وزیر دارائی وقت (سرلشگر ضرغام) وجه الضمان مزبور با موافقت سرتیپ نویسی و مهدی عظیمی بخانم دولو مسترد و برگشت داده شده است.

با اینکه این معانی در حکم داد گاه منعکس و حسن نیت هیئت مدیره در فسخ قرارداد و ضبط سپرده تلویحاً مورد نظر خود داد گاه هم واقع شده است مع هذا داد گاه باعتبار اینکه عدول از مقررات قانون تجارت و تخلف از اساسنامه شرکت مستلزم مسئولیت هیئت مدیره است و چون تصمیم وزیر دارائی در غیر مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام اتخاذ و ابلاغ شده است بدون هیچگونه تحقیق و پرسش از سرلشگر ضرغام وزیر دارائی وقت عمل سرتیپ نویسی و عظیمی مدیران شرکت را بر مسترد داشتن سپرده خانم دولو و اجراء دستور وزیر دارائی تصرف غیر قانونی در وجوه شرکت محسوب و آنانرا مستند بماده (۱۰۲) قانون مجازات عمومی مستوجب کیفر دانسته است. در صورتیکه این استدلال موجه نمیشود زیرا صرف نظر از عوامل و علل و اسبابی که در رد سپرده تأثیر داشته وزیر دارائی نماینده دولت صاحب سهام بموجب شرکت نامه دارای ۷۹۹۷ سهم از ۸۰۰۰ سهم شرکت شیلات است. طبق ماده ۱۰۲ قانون تجارت مسئولیت مدیران شرکت در قبال صاحبان سهام همان مسئولیت وکیل در مقابل موکل و تصمیمات دارندگان اکثریت سهام مستفاد از مقررات مختلفه قانون تجارت برای مدیران شرکت یاد دارندگان اقلیت سهام متبع است. چون مجمع عمومی شرکت شیلات مرکب از وزیر دارائی و همان سه نفر اعضاء هیئت مدیره شیلات بوده و وزیر دارائی (نماینده دولت) دارنده اکثریت سهام است و لو تصمیم بر مسترد داشتن سپرده در غیر مجمع عمومی و بدون رعایت تشریفات مقرر از طرف وزیر دارائی اتخاذ و ابلاغ شده باشد چون این تصمیم بسلطه و حق قانونی دارندگان اکثریت سهام بستگی داشته و فارغ از ماجرای امر و مأمور است اجراء آن برای هیئت مدیره الزامی بوده و چون سوء نیتی هم در عمل محکوم علیهما مشهود نمیشود و اقدام متهمان بر رد وجه الضمان خانم دولو بشرحیکه فوقاً مذکور افتاد مستلزم مسئولیت جزائی نیست. علیهذا حکم فرجامخواسته مبنی بر محکومیت فرجامخواهان «سرتیپ نویسی. مهدی عظیمی» از این حیث نیز با مستند ماده ۴۰۸ قانون آئین دادرسی کیفری نقض بلاارجاع میشود.

ج - موارد اتهام سرتیپ نویسی. مهدی عظیمی. حسام الدین نجم آبادی خانم احسان

نیکخواه دولومبنی بر شرکت در تصرف غیرقانونی از مابه‌التفاوت بهای خاویار. دادگاه در موضوع فروش پارتیه‌های خاویار بخانم دولو بشرحی کمتر از آنچه در قرارداد ژرژفیکس نماینده شرکت ایگلت مقرر بوده پس از بحث مبسوط لغوی و قانونی در تفسیر و تعریف (تدلیس) مورد اتهام متهمین را خارج از شمول ماده (۱۰۳) قانون مجازات عمومی و بر ماده (۱۰۲) قانون مزبور منطبق دانسته است. استنتاج و استدلال دادگاه در تطبیق مورد با ماده (۱۰۲) و اطلاق شرکت در تصرف غیرقانونی بر عمل متهمین فروشنده و خریدار بنا بر مراتب زیر صحیح نمیباشد.

۱ - حکم مقرر در ماده (۱۰۲) قانون مجازات عمومی شامل تحصیلداران و معاونین آنها و امانت‌داران. محاسبین و اعضاء صندوق دولتی است که نقدینه متعلق بدولت با اشخاص با اسناد یا مطالبات که بمنزله نقدینه است برحسب وظیفه بآنها سپرده شده باشد و چنانکه از صراحت ماده مزبور مستفاد است. سپرده بودن عین مال. و وظیفه مستخدم بر فرض اختلاس یا هر تصرف غیرقانونی دورکن اصلی و مناط تحقق جرم است و حال آنکه در مانحن فیه عمل متهمین مبادرت بفروش و خرید خاویار و منصرف ازین مواردست.

۲ - صحیح است که مأمورین بخدمات عمومی و موسسات انتفاعی دولت از هر حیث جرائم مذکور در فصل چهارم از باب دوم قانون مجازات عمومی در حکم مأمورین دولتی میباشند و بارعایت ماده ۲ از قانون مصوب اردیبهشت ۱۳۳۴ راجع بتشکیل مجدد دیوان کیفر در دیوان کیفر محاکمه خواهد شد ولی در صورتیکه اعمال آنان بر مصرحات و مفاهیم ماده دیگری از مواد مندرجه در فصل چهارم از باب دوم قانون مزبور قابل انطباق باشد اصرار در تطبیق بزه منتسب بمتهمین با ماده غیر مرتبط بموضوع بیوجه و قانوناً ممنوع است.

۳ - مقنن در مبحث سوم از فصل چهارم باب دوم قانون مجازات عمومی در تعدیبات مأمورین دولتی نسبت بدولت برای تدلیس در معاملات دولتی حکم خاصی معین کرد و مواد از تدلیس مندرج در ماده (۱۰۳) قانون مجازات عمومی این است که مستخدمین و مأمورین دولتی در مورد خرید و فروش یا ساختن یا امر بساختن چیزی برای دولت با سوء نیت و تمهید و تبانی نفعی برای خود یا دیگری تحصیل نمایند که موجب ضرر دولت باشد چون همانطور که مورد ادعای دادستان دیوان کیفر واقع شده اتهامات عنوان شده ظاهراً بر ماده (۱۰۳) قانون مجازات قابل تطبیق است انصراف دادگاه از مورد ادعای دادستان دیوان کیفر و اطلاق تصرف غیرقانونی بر عمل هیئت مدیره شیلات و خانم دولو و عاملین فروش خاویار و ماهی اجتهاد و استنباط برخلاف نص صریح قانون است.

۵ - موارد اتهام مهدی عظیمی. حسام‌الدین نجم‌آبادی. نصرت‌الله منتصر. جلال‌الدین جلالی بشرکت در تصرف غیرقانونی راجع با افزایش نرخ حق عاملیت.

دادگاه با ذکر دلائلی موارد اتهام مهدی عظیمی و حسام‌الدین نجم‌آبادی مدیران شیلات را در بالا بردن نرخ حق عاملیت منتصر و جلالی به نسبت اختلاف نرخ و مبلغی که در قراردادهای سابق و لاحق مشخص است با ماده (۱۰۲) قانون مجازات عمومی تطبیق و عمل کلیه متهمین را اعم از مدیران و عاملان فروش ماهی و خاویار شرکت در تصرف

غیرقانونی فرض و حکم محکومیت آنانرا باستناد همین ماده صادر کرده است صرفنظر از اینکه اطلاق شرکت در تصرف غیرقانونی بر عمل عاملان فروش ماهی و خاویار که از طرف قرار داد و معامله با شیلات هستند اصولاً مردود و غیرموجه میباشد اتهامات طرح شده از این حیث هم بر فرض احراز سوءنیت بر ماده (۱۵۳) قانون مجازات عمومی منطبق و نظر دادگاه در تطبیق مورد باماده (۱۵۲) قانون مجازات عمومی مخدوش و بر خلاف قانون است.

اما راجع بتقاضای جناب آقای دادستان کل مبنی بر تصحیح و ابرام حکم محکومیت سرتیپ نویسی . مهدی عظیمیا . حسام الدین نجم آبادی . خانم احسان نیکخواه دولو در مورد فروش پارتی های خاویار و همچنین تقاضای تصحیح و ابرام حکم محکومیت جلال الدین جلالی نسبت بما به التفاوت حق عاملیت بشرکت نجم آبادی و عظیمیا باستناد تبصره ماده (۴۵۶) اصلاحی آئین دادرسی کیفری و ماده (۱۵۳) قانون مجازات عمومی تقاضای جناب آقای دادستان کل موجه بنظر نرسید چه شرط تحقیق جرم مندرج در ماده (۱۵۳) قانون مجازات عمومی چنانکه درباره نصرت الله منتصر از طرف خود جناب دادستان کل تصریح و تعیین شده است احراز سوءنیت است که این معنی ماهیت مورد نظر و رسیدگی دادگاه واقع نشده است و چون قبل از رسیدگی و احراز سوءنیت تصحیح و ابرام حکم محکومیت متهمین باستناد ماده (۱۵۳) قانون مجازات عمومی موجه نمیشد لذا ضمن رد درخواست جناب آقای دادستان کل و نظر بدلائل و مراتبی که فوقاً مذکور افتاد حکم محکومیت سرتیپ روح الله نویسی . مهدی عظیمیا . حسام الدین نجم آبادی خانم احسان نیکخواه دولو در باب معامله خاویار با خانم دولو پس از فسخ قرارداد شماره ۸۸۴۱ و نیز حکم محکومیت مهدی عظیمیا و حسام الدین نجم آبادی و نصرت الله منتصر و جلال الدین جلالی راجع بانعقاد قرارداد فروش ماهی در معابر و فروش خاویار و ماهی غضروفی از لحاظ منطبق بودن موارد اتهام با ماده (۱۵۲) قانون مجازات عمومی مستند ب ماده (۴۳۰) آئین دادرسی کیفری نقض و رسیدگی در موارد منقوضه بشعبه دیگر دادگاه دیوان کیفر کارکنان دولت ارجاع میشود.